پیشخوان

«حدیث انقلاب» در آیینه گفتار و نوشتار زنده‌یاد شمس آل‌احمد

در باب آزادی و مرزهایش

■ شاهد توحیدی

اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، مجموعه‌ای از گفتارها و نوشتارهای زنده‌یاد شمس آل‌احمد نویسنده و روشنفکر معاصر را در خود دارد که «حدیث انقلاب» نام گرفته است. این کتاب در واپسین نوبت از سوی انتشارات «سوره مهر» روانه بازار نشر شده است. تارنمای ناشر در معرفی این دفتر، چنین آورده است: «حدیث انقلاب، کتابی دوجلدی و مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها و نوشته‌های شمس آل‌احمد (۱۳۸۹- ۱۳۰۸) است که ابتدا در اوایل انقلاب منتشر شده بود و اکنون به صورت یکپارچه نشر یافته است. کتاب اول این مجموعه، آزادی و مرزهایش و کتاب دوم، استقلال فرهنگی نام دارد. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «من نمی‌شناسم کسی را که آزادی را نخواهد. تو می‌شناسی؟ معدودی را شنیده‌ام که آزادی را می‌پرستند و من همه این ادعاها را باور دارم. نمی‌توانیم کسی را نشان بدهیم، که آزادیخواه نباشد. یک سوسیالیست، یک مارکسیست، یک کمونیست، یک فاشیست، یک نازیست، یک لیبرال، یک رادیکال، یک مسلمان، یک مسیحی و خلاصه هر کس با هر دین و مذهب و ایدئولوژی همه آزادیخواهند. وقتی همه می‌گویند آزادیخواهیم، چطور می‌توان شک کرد؟ من که قادر نیستم. تو کدام فاشیست و مستبدی را می‌شناسی که آزادی نمی‌خواهد؟ کدام موجود زنده‌ای را می‌شناسی که چنان رفتار کند که آزادی دمبه است و او گربه! گربه‌ای که می‌گوید: پیف پیف از دمبه بدم می‌آید؟ تمام جنایات طول تاریخ بشر، به نام آزادی انجام شده است! کجا خوانده‌ای که هیتلر گفته باشد، می‌خواهم اروپا را به قید بکشم؟ اسکندر، ناپلئون، نادر، هیتلر، امریکا و روس همه می‌خواسته‌اند و

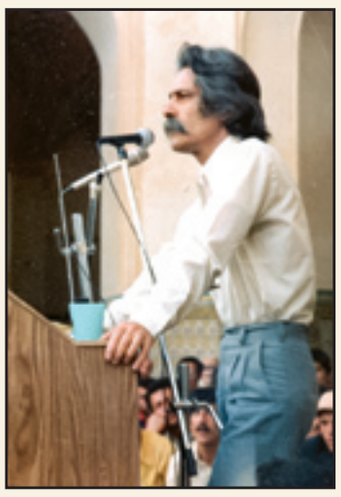

۱۳۵۸. زنده‌یاد شمس آل‌احمد در حال ایراد یک سخنرانی

می‌خواهند دنیا را آزاد کنند....»

در بخش دوم این زندگینامه، مناسب است که بر حیات علمی و عملی مؤلف مروری داشته باشیم. بر سایت همشهری آنلاین، زندگینامه‌ای از شمس آل‌احمد آمده است که وافی به مقصود می‌نماید: «شمس آل‌احمد، ادیب، نویسنده، مصحح و پژوهشگر ادبی در سال ۱۳۰۸، در محله پاچنار و در یک خانواده مذهبی در تهران متولد شد و آموزه‌های ابتدایی را نزد پدرش آیت‌الله سیداحمد طالقانی فرا گرفت. او فوق‌لیسانس فلسفه و علوم تربیتی را از دانشسرای عالی تهران کسب کرد و سال‌ها در آموزش و پرورش در کسوت معلمی تدریس می‌کرد و مدتی هم در دانشکده به تدریس کتابداری سرگرم بود و زمانی هم در مدرسه بهیاری، درس ادبیات می‌داد. شمس مدتی هم به آلمان و امریکا رفت و دوره عکاسی سینما را در این کشورها سپری کرد و هنگام بازگشت به ایران، مؤسسه انتشاراتی رواق را تأسیس و به کار نشر پرداخت. برخی از آثار برادرش جلال آل‌احمد و نیز آثاری که سانسور می‌شدند از سوی همین انتشاراتی به بازار کتاب عرضه شدند. با پیروزی انقلاب اسلامی، او به فرمان امام‌خمینی(ره) به عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی درآمد و در بازگشایی دانشگاه‌ها ایفای نقش کرد و مدتی هم به عنوان سردبیری روزنامه‌های کیهان و اطلاعات و نیز عضویت در شورای سرپرستی صداوسیما به انجام وظیفه پرداخت. از سال ۷۶ و با تشنج مغزی، بیماری شمس آل‌احمد شروع شد و مقداری از توانایی‌هایش را از دست داد، اما از وقتی که هر دو پایش شکست، مشکل فراموشی‌اش نیز به طور جدی آغاز و در سال پایانی حیاتش تشدید هم شد. او در اواخر حیات در حرکت و سخن مشکل داشت. شمس آل‌احمد پیش از درگذشتش، بیش از ۴۰ روز به دلیل بیماری ریوی در بیمارستان باهنر تهران بستری بود تا اینکه در شامگاه یک‌شنبه ۱۴ آذر ۱۳۸۹ درگذشت....»

۱۳۸۵. بیروت یکی از تجمعات مردمی در حمایت از حزب‌الله لبنان

رازهای مانایی حزب‌الله لبنان در آیینه روایت و تحلیل صاحب‌نظران

گسترش مقاومت در جهان اسلام به مثابه عاملی برای جاودانگی

■ محمدرضا کائینی

همانگونه که در صفحات یادمان علامه شهید سیدحسن نصرالله اشارت رفت، پس از پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳روزه با اسرائیل در ۱۸ سال قبل، مجموعه گفت‌وشنودهایی با برخی چهره‌های شاخص سیاسی و رسانه‌ای داخل و خارج، درباره کارکرد این گروه و رهبران شهید آن انجام پذیرفت. آنچه در این مجموعه مقالات مورد استناد قرار می‌گیرد، همان تحلیل‌هاست. توضیح آنکه علل اصلی پویایی و پیشرفت در این حزب، همچنان همان مواردی است که در مصاحبه‌های فوق‌الاشاره درباره آن سخن گفته شده است. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■■■

■ **«حزب الله» تبدیل به یک مکتب دفاعی شده است**

جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله با اسرائیل، نخستین تقابلی بود که طی آن، اعراب صهیونیست‌ها را مجبور به عقب‌نشینی ساختند. این امر موجب شد تا شیوه دفاعی آنان، مورد توجه و اقتباس قرار گیرد و پس از مدتی در غزه نیز منتج به پیروزی‌های مکرر شود. به جد می‌توان گفت که حزب‌الله، شکل و سطح مواجهه با اسرائیل را تغییر داد و آن را ارتقا و تعالی بخشید. حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن اختری سفیر سابق ایران در سوریه و از نزدیکان حزب‌الله لبنان در این فقره معتقد است:

«شیوه‌ای که امروز دیدگاه‌های حزب‌الله و همچنین شیوه‌های مبارزاتی و مقاومت آنان در دنیای اسلام مطرح کرده است، به عنوان یک مکتب و یک مکانیسم مبارزاتی علیه دشمنان اسلام باقی خواهد ماند. امروز همه دنیا و همه علاقه‌مندان به حزب‌الله چشم به مبارزات آن دوخته‌اند و آموزه‌های آن را سرلوحه زندگی خود قرار داده‌اند و قطعاً نقش رهبری این جریان در همه جا یک نقش کاربردی و فعال خواهد بود. من بر این باور هستم که در آینده‌ای نه چندان دور، بسیاری از فرزندان آگاه مسلمان و بسیاری از اندیشمندان آزادفکر، آزادمنش و متعهد، راهی چون راه مقاومت اسلامی را انتخاب می‌کنند و از این مکتب و از این شیوه مبارزاتی، درس‌های بسیاری را فرا خواهند گرفت و سرمشق حرکت خود در کشورهای‌شان قرار خواهند داد. مکتب حزب‌الله، شیوه حرکت آن و دیدگاه‌های این گروه، سرمشق و شیوه مسلمانان در مبارزه علیه استکبار جهانی خواهد شد. به روشنی دیدیم که دشمن صهیونیستی در طول جنگ ۳۳ روزه با پشتیبانی همه‌جانبه امریکا و با داشتن مدرن‌ترین سلاح‌های جنگی و تازه‌ترین امکانات اطلاعاتی و مخابراتی و با تمام امکانات و جنگ‌افزار زمینی و هوایی و دریایی، نتوانست مقاومت اسلامی را بشکند. رزمندگان مقاومت اسلامی با رمز شهادت و با آموزه‌های مکتب اباعبدالله الحسین(ع) و به یاد آن حضرت توانستند در مقابل ماشین جنگی دشمن بایستند و بر آن پیروز شوند. رمز این پیروزی، تنها در عامل شهادت‌طلبی نهفته است که از مکتب امام حسین(ع) به ارث برده‌اند....»

■ **حزب‌الله بر اسرائیل مسلط است نه اسرائیل بر حزب‌الله!**

شاید ادعای فوق آمده برای عده‌ای که تنها تفوق تسلیحاتی اسرائیل را می‌بینند، غیرقابل قبول بنماید، اما نتایجی که حزب‌الله از اخراج اسرائیل از لبنان، جنگ ۳۳روزه و حتی جنگ حاضر گرفته است، آن را قابل توجه و باورپذیر می‌کند. زنده‌یاد حسین شیخ‌الاسلام که از بدو تأسیس حزب‌الله با آن در تعامل بود، در این باره آورده است:

«از نظر امنیتی به شما بگویم که خوشبختانه به اعتراف غربی‌ها و اسرائیلی‌ها، حزب‌الله بر اسرائیل مسلط است، نه اسرائیل بر حزب‌الله! به‌رغم همه امکانات و تجهیزات جاسوسی پیچیده، همه هواپیماهای سرنشین‌دار و بی‌سرنشین که روزانه برفراز لبنان به پرواز در می‌آیند و جاسوسی می‌کنند و همه سیستم های جاسوسی‌ای که در داخل لبنان دارند و بعضی از خودفروختگان و وابستگان که به آنان کمک می‌کنند، حزب‌الله توانسته است خود را خوب اداره کند. زمانی همه پذیرفته بودند که حزب‌الله با معیارهای خود می‌جنگد. در جنگ‌های پیشین که به آزادی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ منجر شد، یک اسرائیلی در برابر ۱۰عضو حزب‌الله معادله قابل قبولی بود. در مرحله‌ای دیگر یک اسرائیلی در برابر سه رزمنده حزب‌الله رضایت‌بخش بود. در روزهای اخیر، معادله به برابری یک اسرائیلی در مقابل یک حزب‌اللهی مبدل شد. اصولاً این جنگ (جنگ ۳۳ روزه)، نقطه عطفی بود. مقاومت تنها یک روش نیست، بلکه یک راهکار است. مقاومت در همه‌جا در ایران و در حزب‌الله نتیجه داده است. ان‌شاءالله در فلسطین هم نتیجه خواهد داد. این سنت الهی است که اگر قومی یا ملتی در خود دگرگونی ایجاد کنند، خداوند هم سرنوشت آنان را عوض می‌کند. نیروهای حزب‌الله واقعاً بچه‌های خالصی هستند، خودشان کار و تزکیه کردند که نتیجه‌اش آن شد که همه دیدند. نه تنها در لبنان که در کل جهان عرب و جهان اسلام. این خط، خط مقاومت، پیروزی، عزت و سربلندی است و همه به آن می‌پیوندند. مثل تئوری انقلاب‌اسلامی و امام‌خمینی(ره) است. در دوران حیات امام، حتی کمونیست‌ها هم به انقلاب پیوستند. شاید از ناچاری بوده است، چون چیزی غیر از این مکتب باقی نمی‌ماند. ملی‌گرایان و چپ‌های ایران هم به امام پیوستند و ایشان در سقوط شاه پیروزی انقلاب و حفظ استقلال جمهوری اسلامی ایران از همه اینها بهره برد و برای هر کدام، جایگاه خاصی را تعیین کرد. سیدحسن نصرالله هم این کار را می‌کند. در جشن پیروزی او همه گروه‌ها حضور و هر یک جایگاه خود را داشتند....»

■ **اسرائیلی‌ها می‌خواستند مردم را از حزب‌الله بگیرند، اما نتوانستند**

بی‌تردید حضور و حمایت هر ملتی از فرآیند دفاع، نقش اساسی در توفیق آن دارد. در مواجهه حزب‌الله و حماس با اسرائیل، این امر تأثیری مهم در پیروزی آنان داشت. مردم بیروت و غزه از آسایش و راحتی خویش صرف‌نظر کردند تا شعله مقاومت فرو ننشیند و اسرائیل به اهداف خود نرسد. دکتر حسین دهقان رئیس کنونی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی - که مدت‌ها با حزب‌الله و رهبری آن همکاری داشته است- در این خصوص می‌گوید:

«به نظر من آنچه در لبنان رخ داد، تبدیل به نقطه عطفی شد که آثار و پیامدهای آن در آینده روشن می‌شود. حزب‌الله و مقاومت، نماد و شاخصی برای تفکیک جبهه‌ها و سره از ناسره شد. تفکیک کسی که آنچه می‌گوید متکی به پشتوانه نظری با پایه‌های استوار تاریخی و فرهنگی یک جامعه یا یک ملت است، از کسی که به عنوان یک جنین ساختگی و تصنعی، از بیرون بطن در یک جامعه کاشته و سعی می‌شود از بیرون هم آبیاری شود تا درختی شود و سایه‌ای بدهد! بنابراین جریان مقاومت، نماد یک راه و مکتب مبارزه و یک تجربه موفق است و نشان می‌دهد که اگر ملتی بخواهد، می‌تواند. حزب‌الله همین کار را کرد و کار دیگری هم نکرد. ملت لبنان تخریب منازل، آوارگی خود، زن و فرزند را به خاطر یک آرمان و حجت پذیرفت. وقتی چنین بشود، این ملت خود به خود پیروز است و به همین دلیل، حزب‌الله می‌تواند همچنان پیروز باشد. اسرائیلی‌ها می‌خواستند مردم را از حزب‌الله بگیرند و حتی مردم را در مقابل حزب‌الله قرار دهند، در حالی که شما بارها از صحنه‌های تلویزیونی دیدید، فردی که خانه‌اش خراب شده یا بچه‌اش شهید شده، می‌گوید جانم فدای سیدحسن نصرالله! هر چه دارم می‌دهم، تا فلانی زنده باشد. این به خاطر پیوند عمیق روحی، روانی، عاطفی، آرمانی و اعتقادی است که بین ملت و رهبری به وجود آمده است. لذا منطق مقاومت، پایداری و استقامت با روحیه عزت، فداکاری و شهادت‌طلبی می‌تواند پیروزی خلق کند. این چیزی است که در سایه این جنگ، خود به خود به عنوان آموزه‌ای که قابل الگوبرداری و به کارگیری است، به وجود آمد. پاسخ به این سؤال که در سایر کشورها چه نیروهایی توسعه خواهند یافت و چگونه خواهند شد، به زمان نیاز دارد، ولی می‌توان گفت که این تجربه موفق به عنوان یک اصل، در ذهن همه کسانی که می‌خواهند در عرصه مبارزه با اسرائیل و امریکا حضور یابند، جای گرفت و این رویداد حتماً وضعیت را متفاوت خواهد کرد....»

جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله با اسرائیل، نخستین تقابلی بود که طی آن، اعراب صهیونیست‌ها را مجبور به عقب‌نشینی ساختند. این امر موجب شد تا شیوه دفاعی آنان، مورد توجه و اقتباس قرار گیرد و پس از مدتی در غزه نیز منتج به پیروزی‌های مکرر شود. به جد می‌توان گفت که حزب‌الله، شکل و سطح مواجهه با اسرائیل را تغییر داد و آن را ارتقا و تعالی بخشید. این امر مانایی آنان را تضمین کرد

■ **مسلمان و غیرمسلمان لبنانی شیفته حزب‌الله هستند**

نکته دیگر در باب مکانت و پایگاه اجتماعی حزب‌الله، نفوذ این جریان در میان مذاهب و قومیت‌های متفاوت لبنانی است. این امر موجب شده است که حمایت از این جریان در خاستگاه خود به امری فرامذهبی تبدیل شود و به همین نسبت نیز وسیع شود. حاج مصطفی دیرانی از فعالان سابق جنبش امل که سال‌ها در زندان اسرائیل اسیر بود، در این موضوع خاطرنشان کرده است:

«مقاومت اسلامی لبنان با این پایداری، همه توطئه‌ها و نقشه‌های دشمن را که با حمایت امریکا صورت می‌گرفت و با سکوت اعراب و کشورهای جهان همراه بود، خنثی کرد. مقاومت توانست طرح خاورمیانه بزرگ را نقش برآب کند. وضعیت سیاسی منطقه سبب شد تا مقاومت راه مبارزه و جهاد با دشمن صهیونیستی را که به کشتار روزانه در سرزمین فلسطین ادامه می‌دهد، دنبال کند. قتل‌عام مردم فلسطین و جنایاتی که اسرائیل در لبنان مرتکب شد و نیز رویارویی با برنامه هسته‌ای ایران، بخشی از اهداف امریکا برای اجرای طرح خاورمیانه بزرگ را تشکیل می‌داد. از سوی دیگر در تاریخ معاصر نیز بسیاری از شخصیت‌های غربی تحت تأثیر قیام و انقلاب امام خمینی(ره) قرار گرفتند. شرط لازم برای چنین رویکردی اسلام آوردن آنها نیست، بلکه انقلاب اسلامی ایران به آنان انگیزه داد و از آرمان‌شان دفاع کرد. بدون شک در روزهای گذشته هم آقای سیدحسن نصرالله مانند چراغی درخشان، راه ملت‌های مستضعف و ستمدیده عرب و مسلمان را روشن کرد. اکنون ملت‌ها رهبری همچون او را جست‌وجو می‌کنند تا زمام امورشان را به او بسپارند. ممکن است فردی پشت تریبون قرار گیرد و سخنانی را ایراد کند، اما لحظاتی بعد همه مردم سخنان او را فراموش کنند! اکنون تصاویر رویارویی اخیر لبنان و صحنه‌های پیروزی درخشان آن، در اذهان توده مردم زنده مانده و تأثیر ژرف خود را در دل مسلمانان سنی و شیعه و همچنین مسیحیان بر جای گذاشته است. روی صفحه تلویزیون‌ها، افراد بسیاری را دیدیم که می‌گفتند سیدحسن نصرالله را دوست نداشتند، اما پس از رویدادهای اخیر عاشق و شیفته او شده‌اند! این عشق‌ورزی و علاقه‌مندی، نتیجه تلاش خالصانه و ایثارگری دبیرکل حزب‌الله است که در آیه کریمه و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله والمؤمنون، جلوه‌گر شده است....»

■ **تجربه مقاومت حزب‌الله به کشورهای عربی و اسلامی سرایت کرده است**

سیدمحمدصادق حسینی، نویسنده و تحلیلگر پرتلاش مسائل خاورمیانه و ایران است. او به سرایت تجربه حزب‌الله به کشورهای عربی و اسلامی، پس از گذار موفق از چالش‌ها و موانع بسیار اینچنین می‌نگرد:

«امروز تجربه و فرهنگ مقاومت اسلامی لبنان، به طرز بی‌سابقه‌ای به سایر کشورهای عربی و اسلامی سرایت کرده است. اکنون ملت‌های عرب و مسلمان، به وجود مقاومت ضدصهیونیستی مردم لبنان مباهات می‌کنند، همه آزادیخواهان احساس بالندگی دارند و همه ملت‌های تحت ستم آرزو دارند که این تجربه همگانی و فراگیر شود و مکتب حزب‌الله و سیدحسن نصرالله در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدریس شود، زیرا این مقاومت در برگیرنده همه نقاط قوت امت اسلامی است که توانسته عوامل ضعف دشمن را شناسایی کند. در شرایط کنونی که امت اسلامی با تهاجم همه‌جانبه امریکا و دشمن صهیونیستی مواجه است، مکتب حزب‌الله بهترین الگو و سرمشق است. مکتب حزب‌الله، تنها راه‌حل است. رهبران جنبش‌های آزادیبخش در موارد بسیاری دچار مشکلات و کشمکش‌های جانبی شده‌اند، اما رهبری بی‌نظیر سیدحسن نصرالله، جایگاه حزبالله را در دل ملت‌ها قرار داده است. بسیاری از رهبران نهضت‌های رهایی بخش، به علت کشمکش‌های درونی و حاشیه‌ای، محبوبیت و تأثیر خود را در میان مردم و هواداران از دست داده‌اند... من معتقدم که دلیل اصلی موفقیت حزب‌الله این است که سیدحسن نصرالله گروه‌گرا عمل نکرده است. گروه او نیز فرقه‌گرا نبوده است. او به رغم افتخار و مباهاتی که به مذهب تشیع دارد و به چنگ زدن به اندیشه پویای مذهب شیعی اصرار می‌ورزد، در عین حال به لبنانی بودن خود و وابستگی به منطقه جبل عامل (جنوب لبنان) و همه ویژگی‌های جنوبی، انقلابی و فرزند ابوذر غفاری بودن افتخار می‌کند. شیعی، انقلابی، جنوبی، روحانی و اصولگرا بودن همه در سیدحسن نصرالله خلاصه شده است. ایشان ضمن اینکه انسانی انقلابی است، اما در عین حال انسانی متسامح است، زیرا از فرزندان مکتب اهل بیت(ع) است. او برخلاف افرادی که در ظاهر خود را وابسته به مکتب اهل بیت(ع) معرفی می‌کنند، توانست مکتب اهل بیت و امامان معصوم را در حرکت حزب‌الله و شیعیان لبنان مجسم سازد....»

■ **مواجهه حزب‌الله با اسرائیل در دستور کار پژوهشگاه‌های بین‌المللی خواهد بود**

همانگونه که اشارت رفت، حزب‌الله در مواجهه با اسرائیل، دستاوردی نو آفرید و از شیوه‌ای بدیع رونمایی کرد. این امر دشمن را وامی دارد که به واکاوی این طریقه جدید بپردازد و احیاناً راه‌های ناکارآمد ساختن آن را مورد توجه قرار دهد. این امر به ترتیب پی آمده، مورد اذعان زنده‌یاد دکتر محمدمهدی عاکف رهبر سابق اخوان‌المسلمین مصر قرار گرفته است:

«من بر این باورم که ایستادگی، پایداری و مقاومت بی‌نظیر رزمندگان مقاومت اسلامی در میدان جنگ که همه مردم جهان را شگفت‌زده کرد، توانست طرح خاورمیانه جدید را ناکام کند. دولت امریکا و رژیم‌صهیونیستی با هدف محو آثار هرگونه مقاومت مردمی و تضمین برتری اسرائیل در زمینه‌های علمی، نظامی و فناوری بر همه کشورهای عربی، از چند سال پیش طرح خاورمیانه جدید را مطرح کرد. این طرح گاه در سایه مقاومت و گاه مخالفت ملت‌های عرب و مسلمان با شکست مواجه شد. البته دشمن صهیونیستی از شکستی که در لبنان متحمل شده، به سادگی نخواهد گذشت. عملکرد و کارآیی سازمان‌های امنیتی، اطلاعاتی و نظامی این رژیم با دقت بررسی خواهد شد و در طرح‌ها و برنامه‌های دشمن، تجدیدنظر اساسی به عمل خواهد آمد. رژیم‌های سیاسی و حکومت‌های عربی هم نتایج این جنگ را ارزیابی خواهند کرد. برای ارزیابی نتایج این جنگ، مطالعات و تحقیقات دامنه‌داری در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی صورت خواهد گرفت. هیچ یک از دولت‌های منطقه و طرف‌های درگیر انتظار نداشتند که این جنگ ۳۳ روز ادامه و با این دستاورد شرافتمندانه برای مقاومت اسلامی لبنان و حزب‌الله پایان یابد. بنابراین نتایج ثمربخش این جنگ، پیامدهای بنیادین بر اوضاع منطقه به صورت عام و اوضاع داخلی هر یک از کشورهای عربی به طور خاص برجای خواهد گذاشت. وجود سلاح در دست مقاومت، تنها ضامن ایستادگی در برابر هر اقدام تجاوزگرانه دشمن صهیونیستی به لبنان است. دشمن جز زور زبان دیگری نمی‌شناسد. بنابراین در آینده نیز به تلاش‌های مذبوحانه دست خواهد زد تا مقاومت را خلع سلاح کند و برای تحقق این هدف به محافل بین‌المللی و منطقه‌ای فشار خواهد آورد....»

■ **آنچه باقی خواهد ماند...**

یحیی ابوذکریا، دوست علامه شهید سیدحسن نصرالله در دوره طلبگی و سپس و روزنامه نگار جریده «اللواء» لبنان بوده است. وی در داخل موطن خویش، رزم‌آوری و ظفرمندی حزب‌الله را از نزدیک مشاهده کرده و از آن گزارش‌های فراوان به تاریخ سپرده است. سخن وی در باب علل و پیامدهای مانایی حزب‌الله را ختام این نوشتار قرار می‌دهیم:

«از نظر نظامی و امنیتی، مقاومت اسلامی لبنان عملاً از میدان جنگ پیروز بیرون آمد. از نظر نظامی، گروهی از مردان مؤمن توانستند که بزرگ‌ترین آسیب را به چهارمین ارتش بزرگ دنیا برسانند. در این نبرد، تانک پیشرفته و افسانه‌ای میرکاوا به آهن قراضه تبدیل شد و مورد تمسخر محافل نظامی قرار گرفت! زیرا هرگاه وارد باتلاق لبنان می‌شد، مورد اصابت موشک‌های حزب‌الله قرار می‌گرفت! ناگفته نماند که میزان خسارت‌های ارتش رژیم‌صهیونیستی در جنگ ژوئیه ۲۰۰۶، از خسارت‌هایی که در همه جنگ‌های پیشین با اعراب متحمل شده بود، فراتر رفت. افزون بر خسارت‌های سنگینی که در زمینه شناورهای دریایی و جنگ‌افزارهای زمینی و هوایی به اسرائیل وارد آمد، این رژیم هرگز نتوانست به مقاومت اسلامی لبنان آسیبی وارد یا حزب‌الله را خلع سلاح کند. برخلاف انتظار محافل صهیونیستی و امریکایی، حزب‌الله نه فقط تضعیف نشد، بلکه پر صلابت‌تر از گذشته از میدان جنگ بیرون آمد و محبوبیت حزب‌الله از مرزهای سیاسی و جغرافیایی لبنان فراتر رفت. این حزب به الگو، سرمشق و الهام‌بخش ملت‌های مسلمان و عرب تبدیل شد. بی‌تردید پس از بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ، مأموریت سرنوشت‌سازی در پیش روی مقاومت اسلامی وجود خواهد داشت. حزب‌الله وظیفه دارد تا این تجربه بی‌نظیر را به نسل‌های آینده مسلمان و عرب منتقل کند تا هنگام فرا رسیدن لحظه سرنوشت‌ساز تاریخی این طرح امیدبخش و تمدنی اسلامی تکمیل شود. سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی رژیم‌صهیونیستی همچون موساد و شین بت، به رغم برخورداری از امکانات فراوان علمی و تخصصی، اکنون در برابر نفوذ مردان حزب‌الله در سیستم‌های رایانه‌ای همه ادارات و دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل عاجز مانده‌اند. سرویس‌های امنیتی در تل آویو هشدار داده‌اند که حزب‌الله توانسته است از طریق شبکه اینترنت، به انواع اطلاعات ارتش اسرائیل دسترسی یابد و براساس آن، جنگ اخیر را اداره کند. تحلیلگران نظامی روزنامه‌های یدیعوت احرونوت، معاریو و هاآرتص در این زمینه تأکید کرده‌اند که رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان، ارتش افسانه‌ای اسرائیل را در عملیات زمینی منگنه کردند!....»

بی‌تردید حمایت هر ملتی از فرآیند دفاع، نقش اساسی در توفیق آن دارد. در مواجهه حزب‌الله با اسرائیل، این امر تأثیری مهم در پیروزی آنان داشت. مردم بیروت و غزه از آسایش و راحت خویش صرف‌نظر کردند تا شعله مقاومت فرو ننشیند و اسرائیل به اهداف خود نرسد. نفوذ حزب‌الله در میان مذاهب و قومیت‌های متفاوت موجب شده است که حمایت از مقاومت به امری ملی تبدیل شود

۲۰۰۸. شهید سیدحسن نصرالله در حاشیه ایراد یک سخنرانی